

علی شمخانی،پرونده هسته‌ای وشمایل مخدوش!

اظهارات اخیر علی شمخانی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی در خصوص مذاکرات که کماکان خود را زعمیم پرونده هسته‌ای در ایران می‌پندارد خبرساز شده و حتی واکنش کاخ سفید را نیز به دنبال داشت. او در مورد تهدیدات خارجی و احتمال حمله نظامی به ایران، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «استمرار تهدیدات خارجی و قرارگرفتن ایران در شرایط حمله نظامی می‌تواند منجر به اقداماتی بازدارنده مانند اخراج بازسان آژانس و قطع همکاری با آن شود. انتقال مواد غنی شده به مکان‌های امن و نامشخص در ایران نیز می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.» اندکی بعد سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به اظهارات خبرساز شمخانی درباره مذاکره واکنش نشان داد و گفت که «این سخنان با ادعای جمهوری اسلامی تضاد است و اخراج بازسان آژانس، اقدامی تنش‌زا و نشانه‌ای از اشتباه محاسباتی تهران خواهد بود.» به نوشته رویداد ۲۴، اینکه شمخانی با چاه استدلال و منطقی در فضای پرتشن نزدیک به مذاکرات چنین مطالبی را بیان کرد در یکطرف قرار دارد و در طرف دیگر اظهارات و روایت‌های چهره‌های سیاسی و مسئولان سابق درباره عملکرد شمخانی در مذاکرات بگرام و احیاء بگرام، روایت‌هایی که در بهترین حالت عدم تسلط برای مدیریت در جایگاهی است او قرار داشت. اندکی قبل از این اظهارات شمخانی بود که محمود واعظی رئیس دفتر رئیس دولت یازدهم و دوازدهم در گفت‌وگویی تأکید کرده بود که «دبیرخانه وقت شورای عالی امنیت ملی (علی شمخانی) به صورت عجیبی در تنظیم و تصویب قانون اقدام راهبردی در مجلس که روحانی مخالف آن بود، نقش داشت. علی شمخانی در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی شد. روحانی در کتاب خاطرات خود که در اواخر مردادماه سال گذشته منتشر شد، نوشته است که «به‌ری ابتدا با انتخاب دریابان علی شمخانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی مخالف بوده است.» او همچنین افزود که خودش هم بعد از این انتصاب «بشیمان» شده، اما راه بازگشت مناسبی وجود نداشته است. اظهارات واعظی درباره رویکرد شمخانی در قبال قانون اقدام راهبردی البته درست به نظر می‌رسد که اینکه خود شمخانی نیز آذرمه‌سال گذشته در گفت‌وگو با پایگاه خبری نوریوز گفته است که «یکی از دلایل دستاورد هسته‌ای فنی جمهوری اسلامی ایران، قانون اقدام راهبردی است.»

◀**تصویر شکننده قهرمان**

بازخوانی اختلافات اساسی شمخانی با دولت حسن روحانی اتفاق تازه‌ای نیست. شمخانی در حوزه مسائلی همچون نحوه اجرای طرح‌گران شدن بنزین در آبان سال ۹۸ و تنش‌های داخلی بین دولت روحانی و شورای عالی امنیت ملی در جریان تصویب مصوبه هسته‌ای مجلس خبرساز بود. این دو

مورد از مهم‌ترین اختلافات میان شمخانی و دولت بود. این اختلافات تا جایی بالا گرفته بود که حتی شمخانی در گفت‌وگو با «ایسنا»،

در سال ۹۹گفت: شورای عالی امنیت ملی بخشی از دولت نیست. موضوعاتی که می‌توان از آنها به‌عنوان مواردی یاد کرد که او را از حوزه برکرات بودن خارج می‌کرد. شمخانی، اما از اساس خود را مقام پاسخگویی نمی‌بیند نه

در مورد رویه‌ای که در شعام در پیش گرفته، نه برای جبهه‌گیری در مسیر مذاکرات که منجر به ادامه مسیر تحریم شده و نه درباره معاونی که به جرم جاسوسی اعدام شد.

او درتمام سال‌های گذشته تلاش کرد از خود چهره‌ای همزمان د دیپلمات، دریادار، سیاستمدار به نمایش بگذارد. برخی براین باورند که شمخانی درتمام سال‌های گذشته تلاش داشت تا خود را به عنوان جریان سوم که وامدار هیچ گروهی نیست، معرفی کند،

تصویری محبوب در میان اعراب هم داشته باشد. کما این که نوریوز که به‌عنوان رسانه نزدیک به شمخانی شناخته می‌شود، در سال ۱۴۰۱وقتی او به میان عشایر خوزستان رفت با ریزناز و بیوه‌ای در مورد این سفر و انتشار تصاویر مختلف از حضور او در این مناطق

با بیان این که «شمخانی هم‌زمان با ایام عید سعید فطر با خودروی شخصی و بدون تشریفات به شهر شادگان سفر کرد و در مراسم عید همراه عشایر شد.» نوشت: «هم‌زمان با حضور دریابان شمخانی در شهر شادگان هم‌وطنان عرب‌زبان، شیوخ عشایر و سادات معزز با خواندن اشعار عربی به‌صورت یزله و هوسه خوانی از او استقبال کردند.» به نظر می‌رسد با وجود اجماعی که در نقد عملکرد

شمخانی در شورای عالی امنیت ملی وجود دارد به واقع این عملکرد برای روند دیپلماسی کشور هزینه‌ساز بوده است. او، اما حیات سیاسی خود را پیوند خورده با تنش‌های

پرونده هسته‌ای می‌داند و حتی هنوز هم سعی می‌کند با القای این که مسئول پرونده هسته‌ای است یا تحریر توثیق‌های تنش‌ها

و بیان اظهارات پرحاشیه در مرکز اخبار باقی

بماند.

«آرمان ملی» تاثیر مواضع دلواپسان بر مذاکرات ایران و آمریکا را بررسی می‌کند

خط تخریب مذاکرات از تهران تا واشینگتن

◀ **محمد مهاجری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:** هر آدم عاقلی می‌داند که در این شرایط مسئولان کشور تصمیم منطقی و عقلانی گرفتند



آمریکایی در جهت تأثیرگذاری بر مذاکرات دنبال شده است. چه اینکه روز گذشته مهدی کوچک زاده نماینده تندرو تهران در صحن علنی در تذکری اظهار کرد: «ما اطلاعی از مذاکرات نداریم ولی حالا که بنا هست با تلخی کامل اقدام بشود، ما مخالفتی نمی‌کنیم.» گرچه این سخنان بی‌پاسخ نماند و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس در پاسخ وی گفت: «حرف جنابعالی درباره بی‌اطلاعی مجلس از مذاکرات حرف صحیح و درستی نبود، شما از طرف مجلس که نمی‌توانید حرف بنزید و بگویید که مجلس در جریان مذاکرات نبوده است، حتما در جریان بوده‌است.» کامران غضنفری دیگر نماینده تندرو ابراز کرد: «بعضی‌ها باور کردند اگر دولت پای میز مذاکره با آمریکا برود، تمام مشکلات اقتصادی کشور حل خواهد شد. دلیل موافقت رهبری هم این است. اگر موافقت نکنند در فضای مجازی و جامعه به شدت تبلیغات

می‌کنند که با مذاکره با آمریکا همه مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور حل می‌شود.» حمید رسایی دیگر نماینده تندرویی بود که در اظهارنظری عجیبی عنوان کرد: «مهم می‌دانیم مذاکرات فعلی در قالب مذاکره غیرمستقیم با اذن رهبر انقلاب بوده، آن هم برای اینکه برخی از خواص و برخی از مسئولان که همچنان خوش بین هستند، مجددا عهدشکنی و غیرمنطقی بودن مقامات آمریکایی را درک کنند و به دنبال آن، بخشی از مردم هم بفهمند که راه حل مشکلات، مذاکره با شیطان نیست و بهانه از دشمن گرفته شود.» نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: «ما از مذاکره‌کنندگان حمایت می‌کنیم مشروط بر اینکه در چارچوب تعیین شده توسط رهبر انقلاب حرکت شود و اینکه امور کشور متوقف بر مذاکره نشود. وزارتخانه‌های دیگر هم منتظر نباشند تا در مسقط چه اتفاقی می‌افتد.» جالب اینکه تندروها با وجود موافقت مقام رهبری بازم هم از رویکرد

دولت‌ها متهم ردیف اول ابربحران مسکن

◀ **واعظ‌آشتیانی: نگاه سلیقه‌ای دولت‌ها مسکن را به بحران کشاند**

نیست بلکه به سایر حوزه‌های اقتصادی کمک می‌کند

از نظر اقتصادی به کمک کشور می‌آید. هزینه مسکن

باعث دشوار تر شدن مشکلات معیشتی شده است،»

آشتیانی با اشاره به عدم توجه به برنامه‌های حاکمیتی

در حوزه مسکن اضافه می‌کند: «مقام معظم رهبری

بارها در مورد رفع چالش‌های مسکن تأکید کرده‌اند و

نکته مهم تر اینکه در برنامه‌های ۵ ساله و چشم‌انداز ۲۰

ساله به اندازه به این مورد توجه شده است ولی به دلیل

اینکه دولت‌ها سلیقه‌ای در این حوزه رفتار می‌کنند در

ریل موردنظر حرکت نکرده‌اند و به‌همین دلیل همچنان

با ابربحران مسکن روبه‌رو هستیم. در این حوزه از سوی

مسئولان ترک فعل انجام شده که باید برابر قانون با

متخلفان برخورد شود.»

◀ **دولت بزرگترین مالک زمین**

پیمان فلسفی، نماینده مردم تهران در مجلس در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در تذکری گفت:

«اکنون همه می‌دانیم که وضعیت دسترسی مردم به

مسکن در کشور به خصوص شهرهای بزرگ نابسامان

است و مردم در تأمین این حداقل حقوق خود دچار

مشکل هستند. مستجران در مراکز استان تا ۵۰ درصد

درآمد خودشان را باید صرف تأمین یک مسکن متوسط

کنند و عملا خرید مسکن با رسیدن به شاخص مدت

زمان انتظار خرید به بیش از ۵۰ سال در کشور، تبدیل به

آرزو شده است. یک خانوار مستاجر تهرانی باید به‌طور

متوسط حداقل ۶۰ سال، یک سوم درآمد خودش را

ذخیره کند تا بتواند یک خانه بخرد. بزرگترین مشکل

معیشتی مردم در واقع مسکن است.» این نماینده

مجلس در همین مورد ادامه داد: «دولت به عنوان

بزرگترین مالک زمین در کشور حداقل ۱.۸ میلیون هکتار

زمین مغروب در شهرها و اطراف دارد که بایستی با تکیه

به همین منابع مشکل مسکن را حل کنیم. به وزیر راه و

شهرداری تذکر می‌دهم که با یک نگاه متفاوت نسبت

به مقوله مسکن ببیند و با راهکاری اساسی برای این

موضوع پیدا کند.»

اسارت سعید جلیلی در مارپیچ سکوت

چرا «ژنرال ضد توافقی» علیه مذاکره ایران و آمریکا هیچ حرفی نمی‌زند

سعید جلیلی در ماه‌های بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ فعال بود؛ سخنرانی‌های مکرر، هدف‌گذاری برای جذب مخاطبان نوجوان با حضور در مدارس و مراسم دانش آموزی و... تنها بخشی از فعالیت‌های عیان جلیلی بود. به‌رغم رویه همیشگی او در نقد مذاکرات و توافق با غرب اما این روزها او در سکوت کامل بسر می‌برد؛ نه واکنشی به نامه ترامپ داشت و نه حرفی درباره پاسخ آن زد. او در سکوتی عجیب در قبال مذاکرات ایران و آمریکا در عمان بسر می‌برد. چرا شمایل مخالفت با توافق و مذاکرات سکوت کرده و با این سکوت به دنبال رساندن چه پیامی است؟ دلیل سکوت او چیست و با چه انگیزه یا دلایلی زبان در کام گرفته است؟ چند سناریو در این باره قابل ترسیم است. سناریوهایی که در هر کدام جلیلی بر اساس انگیزه‌ها یا برنامه‌ریزی‌هایی تصمیم گرفته تا هیچ واکنشی در این باره نداشته باشد. فارغ از اینکه کدام سناریو می‌تواند به واقعیت نزدیک باشد، یک واقعیت غیرقابل انکار است؛ جلیلی ساکت باقی نمی‌ماند.

◀ **سکوت راهبردی**

ممکن است سعید جلیلی در سکوت ظاهری در حال سازماندهی نیروهای تحت مدیریت خود از طریق حلقه نزدیکانش باشد. مشخصا برخی نمایندگان نزدیک به او در روزهای اخیر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از مذاکرات انتقاد کرده و حصول هرگونه توافق را با تندترین ادبیات محکوم کرده‌اند. از این منظر جلیلی مشخصا هم صدای مخالفت را بیان می‌کند و هم مسئولیت تاریخی و رسانه‌ای آن را از گردن خود باز می‌کند. جلیلی با این راهبرد هم خود را از صف مخالفان مذاکره جدا کرده و هم نیت قبلی و افکار ضدتوسعه و مذاکره را بیگیری می‌کند. آنچه در روزهای اخیر در قالب تجمع مقابل وزارت امور خارجه و با کمپین نه به مذاکره در حال انجام است در قالب این سناریو زیر نظر سعید جلیلی قابل تحلیل است. از طرف دیگر جلیلی صداسویمار را بخود همراه دارد. برادران جلیلی با سلطه فکری کامل بر صداسویمار اصلی‌ترین رسانه کشور را در مقابل مذاکره قرار داده‌اند. اینکه خبرنگار نه چندان خوشنام صداسویماستقیمبا طرح سوال از عباس عراقچی وزیر امور خارجه مبنی بر این که «طرفین مذاکره چه کسانی هستند»، سعی در هزینه‌رانشی سیاسی برای دولت دارد نشان می‌دهد صداسویمار ابتدای کار هدف حملات خود را مشخص کرده و به جای آمریکا، دولت پزشکیان را زیر ضرب گرفته است. فراموش نکنیم در غائله حجاب و رفع فیلتر و بزرگاری طرف از دولت هم خود جلیلی کمتر به‌صورت مستقیم به مخالفت برمی‌خاست اما نیروهای تحت امر او از ستاد امر به معروف و نهی از منکر تا مجلس و کف خیابان صدای بلند دیدگاه‌های او بودند. وقتی اصلی‌ترین رسانه کشور در دست این جریان است، وقتی نمایندگانی در مجلس هستند که لعن و دشنام را حواله افرادی مذاکره‌کننده کنند، دیگر چه نیاز به توثیق و سخنرانی جلیلی است؟ در این شرایط جلیلی از تمامی ابزارهای خود در جهت فشار بر مذاکره‌کنندگان و ارسال پالس‌های پرتشن به مذاکرات استفاده کرده و می‌کند و در سکوت منتظر بر هم خوردن همه چیز است تا بعد دوباره صدای ناطق باشد و بگوید که «همان شد که گفتیم».

◀ **اطمینان از عدم توفیق**

شاید سعید جلیلی و نیروهای او که همواره ژست

ضدآمریکایی و ضداسرائیلی گرفته‌اند با تکیه بر دیوار

بدعهدی‌های طرف غربی منتظر به سرانجام نرسیدن

مذاکرات هستند. برخلاف آنچه آن‌ها همیشه و همواره

درباره قدرت ایران در مقابله با غرب بیان می‌کنند در رویه

رفتاری و راهبردی‌هایی که در «نه به مذاکره» بیان می‌کنند

نوعی خود کم‌بینی وجود دارد. در پس ذهن دیدگاه‌های

سعید جلیلی، ایران هرگز نمی‌توان در مسیر دیپلماسی

امتیاز بگیرد و دست برتر مذاکرات باشد. آن‌ها بر اساس

احوالات و ضعف خود در مذاکره‌ای که بتواند تأمین نسبی

منافع داشته و تنش را از سربازان دور کند عموما با مذاکره

مخالفت می‌کنند و این راهبرد کلی را در قالب «عدم تمایل به

مذاکره در چهارچوب روحیه انقلابی‌گری» تعریف می‌کنند.

در لایه‌های پنهان این روحيات اما ضعفی خفته پنهان شده

است. ضعفی که ایران و مذاکره‌کنندگان را پای میز مذاکره

هرگز در سطح تعیین شرط و اقعاق طرف مقابل نمی‌بیند. در

این شرایط و با این سابقه فکری، سعید جلیلی در سکوت

منتظر نشسته تا اسرائیلی‌ها بازی را باهم بزنند و آمریکایی‌ها

پای میز مذاکره دب بکنند. این پیش‌بینی‌ها البته غیرممکن

و منحل نیست، اما اتکای جریانی که خود را لایه و حلقه

سخت نظام می‌داند به این که دولت فعلی نیز در مذاکره به

هیچ جایی نمی‌رسد چون مذاکره با غرب ممکن نیست. در

جای خود قابل بررسی و توجه است. از منظر سعید جلیلی

هیچ مذاکره‌کننده‌ای نمی‌تواند «توافق خوب» را معماری

کند. چرا؟ چون جلیلی طی سال‌های مذاکره نتوانسته این

کار را بکند.

◀ **سکوت اجباری**

در سناریویی دیگر بعد از دو مورد فوق شاید با سعید

جلیلی و نیروهایش در این شرایط کشور نوعی اتمام حجت

شده و حاکمیت عده و هده آن‌ها را برایشان یادآوری کرده

است. اگر نحوه برخورد با تجمع‌کنندگان مطالبه‌گر ابلاغ

قانون حجاب در روزهای اخیر را در نظر داشته باشیم ممکن

است از اساس بعد از ماه‌ها تنش آفرینی با این جریان تعیین

تکلیف غیررسمی شده است. در این شرایط سعید جلیلی که

نمی‌خواهد مهره‌ای خارج از نظام باشد سکوت کرده است،

به امید ایجاد موقعیتی دوباره برای از سایه بیرون آمدن و

ترویج دیدگاه‌های فکری خود در نفی مذاکره و توافق. این که

برخی نیروهای جبهه پایداری و چهره‌های نزدیک به سعید

جلیلی در ماه‌های اخیر با ادبیاتی طلبکارانه خط و نشان

کشیده و یادآوری کرده‌اند که حلقه سخت نظام در صورت

عدم تأمین مطالباتش چه در حوزه ابلاغ قانون حجاب و چه

در زمین سیاست خارجی «چور دیگری رفتار خواهد کرد»

نشان می‌دهد که گسل‌هایی در حال شکل‌گیری است.

گسل‌هایی که البته نیروهای پیاده نظام به آن اشاره می‌کنند

و سعید جلیلی در سکوت آن‌ها را هدایت و فضا را برایشان

تئوریزه می‌کند.